

نظرخواهی

ماندگار

عباس مخبر



انتخاب:گاو و آقای هالو
من همه فیلم‌های آقای مهرجویی را ندیده‌ام، بعضی از فیلم‌ها هم یادم نمانده است. اما آنهایی که به یادم مانده را دوست دارم. از میان فیلم‌هایی که از ایشان دیده‌ام «جارمنشین‌ها»، «هامون»، «جمانی»، «همان مامان» و «سنّتوری» را نام ببرم. از همه این فیلم‌ها خوشم آمد چون با زبانی سینمایی به بیان مسایل اجتماعی و دغدغه‌های فکری ما می‌پردازند. نمی‌دانم برای اینکه فیلمی را ماندگار بدانیم چند سال زمان از ساخت آن باید بگذرد، اما من فیلم‌های «گاو» و «آقای هالو» را در سال‌های ۴۹–۴۸ یعنی در سال‌های آخر دبیرستان دیدم و هنوز برایم جالب‌اند. از شاملو نقل می‌شود که «اگر شعرهای مرا ۱۵ سال پس از مرگم بخوانند کلامه را بالا می‌اندارم». خوب، این فیلم‌ها تا همین جا ۳۰–۲۲ سال است که به یادماندند. به‌نظرم این فیلم‌ها هستند که می‌مانند، نه شخصیت‌ها. مهرجویی در فیلم‌هایش به تلفیق سینماو ادبیات پرداخته، این موضوع بسیار اهمیت دارد و یکی از ویژگی‌های کار مهرجویی محسوب می‌شود. او ادبیات را از ابیسن و سالینجر تا ساعدی، گلشیری، ترقی و مرادی کرمانی به خدمت سینما گرفته و از این رهگذر آثار به‌یاد ماندنی از خود برجای گذاشته است. شمار این دسته از کارگردان در ایران زیاد نیست و متافانسه شاید یکی از دلایلش هم آشنا نبودن با ادبیات باشد. به‌نظرم ترکیبی از داستان و کارگردانی با تلفیق این دو در بیانی تصویری و سینمایی باعث موفقیت مهرجویی شده است. لازم به تکرار هم نیست که مهرجویی یکی از سینماگران فهیم و ماندگار کشور و در مواردی پیشستاز و ناوُز است. در آخر برای آقای مهرجویی سلامت و آفرینش آثار تازه آرزوی من‌کم.

روشنفکر شکست خورده

کامبیز نوروزی / حقوقدان



انتخاب: هامون و گاو
در میان تمام فیلم‌های مهرجویی «هامون» جایگاه بسیار خاصی دارد و فکر می‌کنم که یکی از مهم‌ترین فیلم‌های او باشد. خود من به‌شخصه هامون را بسیار دوست دارم. تصور این است که تقابل سنت و تجدد در هامون بسیار قوی‌تر و عمیق‌تر نسبت به سایر آثارش. حمید هامون یک نمونه بارز از روشنفکرانی است که مهرجویی تجربه شخصی و نزدیک آشنایی با آنها را دارد و با آنها از نزدیک زندگی کرده. فضای فیلم هامون فضایی تقلیل میان سنت و تجددنمایش می‌دهد.نسبت به هامون آشنایی کمتری دارد. عمق آشنایی مهرجویی با آدم‌های «هامون» و خصوصا خود «حمید هامون» عاملی است که کمک بسیاری برای باورپذیر کردن این فضا دارد. واقعیت این است که افراد تحصیلکرده از شرایط هامون تجربه شخصی دارند ضمن اینکه مجموعه فیلم‌های مهرجویی چه از نظر فیلمبرداری، چه از نظر محتوا و دیگر عوامل تولید جزو درجه‌یک‌های سینمای ایران محسوب می‌شوند. از نظر من یکی از نکات مهم درباره داریوش مهرجویی این است که او از جمله چند کارگردان بزرگ سینمای ایران است که در اواخر دهه ۴۰ خورشیدی موج نو سینمای ایران را پایه‌گذاری کردند. بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی و علی حاتمی از دیگر افراد این سینما بودند. آنان پایه جدید و هنرمندانه سینمای ایران هستند و هرکدام در قلمرو خود تاثیر بزرگی در سینمای ایران داشتند. مهرجویی از سینماگرانی است که باید آنها را با نام «فیلمساز مولف» اطلاق کرد. او یک خط فکری مشخصی دارد و این تفکر را تقریباً در تمامی فیلم‌ها شکل‌های مختلف دنبال کرده است. مهرجویی از همان سال‌های پایانی دهه ۴۰ تا به امروز هسته کانونی اندیشه‌اش را در فیلم‌های خود نمایش داده است و تا جایی که به خاطر دارم نویسنده‌ی اغلب آثار خود را نیز برعهده داشته است. البته باید به فیلم «الماس ۳۳» که اولین فیلم او پس از ورود به ایران بود هم اشاره کرد؛ فیلمی بازاری که خوشبختانه دیگر در سینمای او تکرار نشد. اگر آثار مهرجویی را دنبال کرده باشید، هسته کانونی اندیشه مهرجویی حول موضوع تقابل سنت و تجدد حرکت می‌کند. در آثار مهرجویی آدم‌هایی که به نوعی نمادها یا نمایندگان بخش‌های سنتی‌تر جامعه هستند در موقعیتی قرار می‌گیرند که این موقعیت‌ها همان موقعیت متجددانه است. و این تعارض بین سنت و تجدد شرایط سخت و دشوار را بر آدم‌های قصه او وارد می‌کند یا آنها را دایم در چالش‌های دردناکی قرار می‌دهد. در فیلم‌های پیش از انقلاب مثل آقای هالو یا پستچی و مهم‌چنین در فیلم‌های پس از انقلاب مانند هامون و سه گانه پری، سارا و لیلا و حتی فیلم سنتوری این تقابل را به شکل‌های مختلف می‌توانیم ببینیم. البته فیلم «کاو» که استنمای محسوب می‌شود و بحث ازخودبیگانگی را به خوبی مطرح می‌کند همین‌طور در آخرین ساخته مهرجویی یعنی نارنجی‌بوش که ای کاش به این‌سان سفراری ساخته نمی‌شد نیز این تقابل را به خوبی مشاهده می‌کنیم.

سال نهم ■ شماره ۱۵۱۲

چند روز طول کشید تا در نظرخواهی از شخصیت‌های متفاوت، سینمای اجتماعی و ادبی بخواهیم تاثیرگذارترین و بهترین اثر «داریوش مهرجویی» را انتخاب کنیم. هرچند گاه با جواب غیرقابل باوری روبه‌رو می‌شدیم که من سینما نمی‌روم، یا فیلم زیاد نمی‌بینم مگر خیلی مهم باشد یا داریوش مهرجویی را مثلاً با مسعود کیمیایی دیگر فیلمساز برجسته اشتباه می‌گرفتند یا نام فیلم را به یاد نمی‌آوردند ولی شخصیت‌ها و صحنه‌هایش را با جزئیات تصویرسازی می‌کردند. این گفت‌وگوهای تلفنی بیش از آنکه سخت باشد، عجیب بود؛ اینکه آیا می‌شود فردی که مدام تحلیل سیاسی

نتایج آرا

فیلم	رای
گاو	۹
دایره مینا	۵
اجارمنشین‌ها	۴
لیلا	۴
هامون	۳
مهمان‌مامان	۳
آقای هالو	۱
سارا	۱

سینمای اجتماعی

جعفر پناهی / کارگردان
انتخاب: دایره مینا
اکثر فیلم‌های داریوش مهرجویی را دوست دارم، اما «دایره مینا» به دلیل آنکه جزو اولین فیلم‌هایی بود که من را به سینمای اجتماعی علاقه‌مند کرد برایم مهم‌تر است.

■ ■

باهوش و ذکاوت

انتخاب: مهمان مامان و سارا

دوست دارم آخرین فیلم مهرجویی که این روزها در سینماها در حال اکران است را ببینم اما هنوز این فرصت را به دست نیاورده‌ام. اگر بخوام در بین آثار مهرجویی دست به انتخاب بزنم، فیلم «همان مامان» را به عنوان بهترین فیلم برمی‌گزینم. از آنجایی که در این فیلم حسی از رهایی و شادمانی وجود دارد و کمتر فیلمی می‌تواند این حس را به مخاطب القا کند. به‌نظرم در این فیلم مهرجویی خودش را رها کرده بود تا به او خوش بگذرد، در نتیجه به ما هم خوش گذشت. این فیلم اقتباسی از کتاب مهمان مامان مرادی کرمانی است که شخصیت‌ها به خوبی در این برگردان پرداخته شده‌اند. مهرجویی در فیلم‌هایش به‌گونه‌ای بسیار ملموس شخصیت‌هایی را که در زندگی می‌بینیم بازسازی می‌کند: «اجارمنشین‌ها» با فضایی از طنز، و «هامون» که بازسازی فضای روشنفکر ایرانی است، مثال‌هایی از این موارد هستند. فیلم «هامون» را چندین بار دیده‌ام به‌نظرم نگاه درستی به روشنفکران ایرانی دارد، اینکه حقیقتاً روشنفکران ایرانی خیلی بها ندارند را در درستی به تصویر می‌کشد، ضعف‌ها و حتی اداهای این طبقه را نشان می‌دهد. مهرجویی در «هامون» بدون خودسانسوری با استفاده از استعاره‌ها و نمادها، طبقه‌ای که خود نیز به آن تعلق دارد را بازگو می‌کند. شخصیت‌های فیلم‌های مهرجویی زنده هستند و مخاطب به آسانی با آنها ارتباط برقرار می‌کند. فیلم «سارا» را خیلی دوست دارم با وجود اینکه خیلی از منتقدان با این فیلم ارتباط برقرار نکردند ولی من از لحاظ حسی فیلم «سارا» را بسیار قوی می‌دانم، باوجود اینکه فیلم بابو و بمانی را زیاد دوست نداشتم اما «درخت گلابی» را بسیار نزدیک به کتاب گلی ترقی دیدم. به‌نظرم من کار مهرجویی در سینما به نوعی شبیه به کاری است که کیمیایی کرده اما در یک رده دیگر. کیمیایی یک طبقه از مردم را معرفی کرد در حالی که مهرجویی طبقه دیگری را روایت می‌کند. مهرجویی با وجود اینکه متعلق به طبقه روشنفکر است هوش و ذکاوتش باعث شده طبقات اجتماعی دیگر را هم به خوبی بشناسد و بتواند این طبقات را در فیلم‌هایش به نمایش بگذارد. دخترک فیلم «درخت گلابی» و شخصیت «سارا» را بیشتر از دیگر شخصیت‌های مهرجویی دوست دارم.

■ ■

بار سیاسی

عباس عبدی / تحلیلگر سیاسی

انتخاب: گاو



شاید خیلی نتوانم در مورد سینما اظهار نظر تخصصی بکنم. اما مساله مهم این است که افراد سینما را از نگاه یک تماشاگر ببینند و لذت ببرند و این اتفاق همیشه در روبه‌رو شدن با سینمای مهرجویی افتاده است. من از فیلم‌های داریوش مهرجویی همیشه «گاو» را بیشتر از دیگر فیلم‌ها دوست داشتم‌ام. شاید دلیلش هم علاقه‌ای باشد که به غلامحسین ساعدی به عنوان نویسنده دارم. به نظر من ساعدی یکی از تاثیرگذارترین‌ها در ادبیات ایران است. فیلم «گاو» هم از این حیث قابل اهمیت است و هم از این جهت که توانسته با قدرت به پردازش این داستان تاثیرگذار بپردازد. به عنوان یک تماشاگر، سناریو و کارگردانی فیلم گاو برایم بسیار جذابیت داشت. فیلم گاو دارای بار سیاسی است که در زمان خود متعارضه مطرح شده است. این فیلم در برابر سیاست‌های متظاهرانه رژیم پهلوی به نوعی ماهیت هشداردهنده داشته است. دوران نمایش «گاو» مصادف با زمانی است که رژیم پهلوی با زرق و برق بسیار و ادعاهای واهی در مورد روستاها، مدعی حمایت و ساماندهی این بخش عظیم ایران است. فیلم گاو، اولین فیلم تاریخی سینمایی ایران است که در آن سوی مرزهای ایران به جشنواره راه پیدا و جایزه منتقدان را نیز کسب کرد و تنها فیلمی بود که بنیانگذار جمهوری اسلامی آن را تأیید کرده بود. بی‌شک، علت این اتفاق مهم و شایسته، صرفنظر از تکنیک‌ها و دستمایه‌های دیگر ساخت فیلم، جانمایه و مضمون قوی و تاثیرگذار فیلم است که کارگردان با نویسنده داستان، فیلمنامه را نوشته‌اند. ادبیات غنی و استوار داستانی ایران بی‌شک توانسته ماندگار شدن سینما را در مجامع فرهنگی و هنری جهان رقم بزند.

■ ■

مر تقی کاخی / پژوهشگر و نویسنده

انتخاب: گاو



از آثار پیش از انقلاب آقای مهرجویی «گاو» و یکی، دو تا از فیلم‌هایش را دیده‌ام. از آثار بعد از انقلاب هم اجارمنشین‌ها، هامون، سنتوری و مهمان مامان را دیدم و دوست داشتم. هر کدام از این فیلم‌ها در جای خودشان و زمان خودشان ساخته شدند و به‌شرف پدید آمدند. «گاو» در زمانی که ساخته شد یک پیشرفت بود. اما الو الان گاو را نمی‌سازد. از زمان ساخت آن فیلم سال‌های زیادی گذشته و تجربیات زیادی به دست آورده است و فیلمی را می‌سازد که با آن فیلم متفاوت است. او در دورای این فیلم را ساخت که فیلمسازی چون ابراهیم گلستان، بهرام بیضایی، عباس کیارستمی و امیر نادری وجود داشتند و فیلمسازان دیگری که آثار خیلی خوبی ساختند در همان زمان مسعود کیمیایی قیصر را ساخت. فیلم مهمی بود اما الان اگر قیصر را بسازد فیلم معمولی است. فیلم‌های آقای مهرجویی را دوست دارم. اما بعضی از صحنه‌های فیلم‌هایشان خیلی به‌یادمندنی است. مثلاً در فیلم لیلا صحنه‌ای است که زن دوم به خانه می‌آید و از پله بالا می‌رود. این پیراهنش که به پله می‌خورد جرینگ جرینگ صدا می‌دهد. شبیه ژئرال الملی است که در یک جنگ موفق شده است. صحنه پایانی فیلمش هم که خاتم حاتمى پشت پنجره ایستاده و بیرون دارند ندزری می‌پزند و احساس می‌کند که این بچه را می‌تواند دوست داشته باشد داریوش مهرجویی از نگاه من یک فیلمساز باقریحه و دانش است و کار متوسط نمی‌کند.

■ ■

جریان‌ساز

منیژه حکمت /سینماگر

انتخاب: اجارمنشین‌ها، پستچی، دایره مینا و لیلا

اجارمنشین‌ها، پستچی، دایره مینا و لیلا برای من جذاب‌ترین فیلم‌های سینمای آقای مهرجویی هستند. درامی که در این قصه‌ها به کار رفته بسیار درست و بیجا استفاده شده و از طرفی دیگر کاملاً ملموس است. وقتی به کارهای داریوش مهرجویی نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که او کارگردان کاربلدی است و صرفاً در یک ژانر کار نمی‌کند. نگاه او چه به مقوله طنز، چه اوضاع اجتماعی و حتی سیاست بسیار پرنرگ و درست و حرفه‌ای است. او در هر ژانری موفق است و فراتر از یک موضوع عمل می‌کند. مهرجویی یک سینماگر مولف است که می‌داند چه کار می‌کند. او سینمایی جریان‌ساز دارد و در یک قالب قرار نمی‌گیرد و بسیار حرفه‌ای عمل می‌کند و همین است که این مهرجویی یک سینماگر حرفه‌ای می‌سازد.

■ ■

سینمای ایران

چهره‌ها از فیلم بر تر مهرجویی می‌گویند

در ستایش «گاو»

شهرزاد همتی

و اجتماعی می‌نویسد جنس سینمای مهرجویی را دنبال نکند که در مقاطع متعدد مسایل اجتماعی را با رگه‌های ظریف در داخل آثارش قرار داده است یا نویسنده‌ای، فیلم‌های کارگردانی رادبال نکند که بیشترین اقتباس ادبی را در سینمای ایران داشته باشد. قبل تر ماهنامه فیلم در نظرخواهی از منتقدان سینمایی فیلم گاو را به عنوان ماندگارترین فیلم تاریخ سینمای ایران انتخاب کرده بود. اما این بار جمع شخصیت‌های متفاوت بودند که این فیلم را جزو تاثیرگذارترین‌های سینمای ایران دانستند. هرچند گاو با فاصله از دیگر فیلم‌ها در بین آثار مهرجویی مورد استقبال قرار گرفت اما

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

فیلم‌های دیگر او مانند دایره مینا، اجارمنشین‌ها و لیلا نیز به دلیل احساسی بودن مورد توجه و دوست‌داشتنی بودند. هرچند قبل از شروع نظرخواهی فکر می‌کردیم با توجه به نزدیکی طبقه و خاستگاه کسانی که با آنان تماس می‌گیریم فیلم «هامون» ظرفدار بیشتری داشته باشد و به عنوان منتخب و خاصی در بین آثار مهرجویی به یاد آورده شود. اما این طور نشد. فیلم‌های دیگر مورد توجه که از آنها نام برده شد «مهمان مامان»، «آقای هالو» و «پستچی» بود؛ فیلم‌هایی که هر کدام ویژگی و خصوصیتی را درباره مردم مطرح می‌کنند.

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

■ ■

روایتگر ضعف ایرانی

انتخاب: هامون

نه به‌خاطر اینکه در فیلم «هامون» بازی کردم، بلکه مطلق تمام نظرسنجی‌هایی که تا به امروز انجام شده فیلم «هامون» شاخص‌ترین و سنت‌شکن‌ترین فیلم مهرجویی پس از انقلاب است. این درست همان نقشی است که فیلم «گاو» او پیش از انقلاب بر عهده داشت. فیلم «هامون» چه به لحاظ ساختار و چه به لحاظ محتوا یکی از تاثیرگذارترین فیلم‌های تاریخ ایران است. «هامون» درباره نسلی است که رفتارهایش با نسل امروز تفاوت‌های بسیاری داشت. آن نسل ادعای روشنفکری می‌کرد و این نسل پز ضد روشنفکری می‌دهد. افراد آن نسل از طریق کتاب با هم ارتباط برقرار می‌کردند و جوان‌های این نسل به وسیله فیلم و موسیقی… آن نسل به موسیقی باخ گوش می‌داد و این نسل به سبک‌های مدرن‌تری از موسیقی تمایل دارد. با این وجود، «هامون» در میان جوانان امروزی هم طرفداران بسیاری دارد. (جلو خودم را می‌گیرم که نگویم در نسل جدید هم به اندازه نسل جوان زمان اکرانش هوادار دارد). بنابراین «هامون» مانع مهمی به نام زمان را با موفقیت از پیش‌رو برداشته و به یک فیلم ماندگار تبدیل شده است. علت این ماندگاری، چیزی فراتر از ظواهر امر است. نکته مهم اینجاست که «هامون» دست روی بزرگ‌ترین نقطه ضعف ایرانیان گذاشته بود. هامون اولین تجربه کاری من بود و بی‌شک از خاطر‌انگیزترین کارهایی که در سینما انجام داده‌ام؛ فیلمی بسیار ماندگار که تمام عناصر جذابیت در سینمای روشنفکری را داراست. متمایز بودن داریوش مهرجویی به نوع دید و نوع مطالعه وی برمی‌گردد. او مردی به‌روز است، فلسفه خوانده و عادت‌ی به درجا زدن ندارد. مهرجویی در خارج از ایران تحصیلکرده و فردی استثنایی در سینمای ایران محسوب می‌شود. مهم‌ترین تفاوت مهرجویی با دیگران در نوع نگاهش به جامعه و سینماست. او می‌داند که باید خود را به‌روز کند. درست است که ۷۰ سال دارد اما وقتی فیلم‌های او را می‌بینیم، فکر می‌کنیم که یک مرد ۴۰ساله کاملاً باتجربه فیلم ساخته و این نشانه آن است که او می‌تواند به‌روز حرکت کند.

■ ■

احساسی و حرفه

بهمن کشاورز / وکیل – حقوقدان

انتخاب: اجارمنشین‌ها، لیلا، گاو، هامون و مهمان مامان

از سینمای داریوش مهرجویی «اجارمنشین‌ها»، «لیلا»، «گاو»، «هامون» و «همان مامان» را بسیار دوست دارم. شاید این فهرست خیلی بلندبالا باشد. البته برای منی که تخصص سینمایی ندارم در دیدن فیلم‌ها بیشتر به وجه احساسی که برایم باقی می‌گذارد توجه می‌کنم. اما گاهی در فیلم‌ها بحث‌هایی مطرح می‌شود که مربوط به حرفه اصلی من نیز هست، مثلاً در اجارمنشین‌ها با مساله ملک و مشکلات آپارتمان‌نشینی طرف هستیم. یا در فیلم لیلا ما با یک پدیده غیرعادی در روابط اجتماعی برخورد می‌کنیم که بسیار تاثیرگذار دیده می‌شود. لیلا به واقع نسخه بدل هامون منتها در جهت عکس آن است؛ جهت عکس به دلیل تغییر موقعیت شخصیت‌ها. اگر در هامون با مردی شکست‌خورده در عشق و درگیر با دنی